

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله

تدبر حسینی (ع)

شرح زیارت عاشورا (۷)

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِیْ

از زیر بال و پر سرت بیرون گرفتی
باران تیر آمد وضو در خون
گرفتی

نور محمد بین صحرا منجلی شد در جای به جای کربلا پر از علی شد

امام حسین (علیه السلام) در خطبه روز عاشورا فرمود: «... فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ

تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ فَأَخْرَجَ خُرْجَةً يُوَافِقُ ذَلِكَ خُرْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قِيَامَ

قَائِمَنَا...» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹) پس به خدا سوگند! اگر ما را بکشند،

یقیناً در پیشگاه پیامبرمان وارد می شویم و تا زمانی که خواست خدا باشد، در

آن عالم می مانیم. سپس من اولین کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته

می شود و همزمان با قیام قائم ما و رجعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و

زندگی مجدد رسول الله (صلی الله علیه و آله) رجعت خواهم کرد پس امیر

مؤمنان (علیه السلام) شمشیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به دست من داده،

مرا به مشرق و مغرب زمین مأموریت می دهد. به هیچ دشمنی نمی رسم، جز

آن که خونش را می ریزم و به هیچ بتی نمی رسم، جز آن که آن را

می سوزانم.»

موضوع تدبر: آیا ما که در کربلا نبوده ایم و عمری خطاب به مولایمان «یا

لیتنا کنا معکم...» گفته و بر غربت و تنهایی و مظلومیت او گریسته ایم، از کجا

بدانیم از صمیم قلب آرزومند بودن در رکاب امام زمانمان، منتقم حقیقی، قائم

آل محمد (عج) برای خونخواهی مولای شهیدمان، هستیم؟

پاسخ اجمالی: خون گرم و سرخ، همان گونه که در بدن جریان دارد، اصل و

حقیقت آن هم در روح و روان انسان در جریان است که می توان گفت همان

هویت و شخصیت هر فرد محسوب می گردد، همان گونه که خون در بدن از

تغذیه و خوراک تامین می شود، شخصیت و هویت انسان هم از تغذیه معنوی

تامین می گردد، جا دارد که از خود بپرسیم چه خونی در رگها و روح و روان

ما در جریان است؟ خونخواهی امام حسین (علیه السلام) به معنای حقیقی خود،

طلب کردن شخصیت و هویت امام شهیدان و زنده شدن به حیات آن سرور

بلکه داشتن خونی در بدن مانند خون پاک و مطهر آن عزیز است. بدیهی است که کسی امام حسین (علیه السلام) نمی‌شود ولی پیوند خوردن با ارواح پاک شهیدان، و پیمودن راه آنها همان دمیدن روح حسینی در کالبد مرده‌ای است که پیوسته می‌خواند: «**بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ**» (پدر و مادرم به فدایت که تحمل مصیبت بر من به واسطه ظلمی که بر شما رفت سخت دشوار است پس از خدایی که مقام تو را بلند و گرامی داشت و مرا هم به واسطه دوستی تو عزت بخشید از او درخواست می‌کنم که روزی من گرداند تا در رکاب امام منصور از اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) باشم) این جملات نشان می‌دهد که یکی از آرزوهای بلند معصومان (علیهم السلام) و شیعیان آنها این است که در جریان قیام امام زمان (عج) و خونخواهی آن حضرت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) حضور یافته، در این امر عظیم، سهم و شرکتی فعال و مطلوب داشته باشند.

هر چه دارم از تو دارم غیر تو ناید به کارم
توضیح بیشتر این‌که: وقتی انسان نسبت به محبوب احساس تقرب و منزلت کرد، خواسته‌های او را خواسته‌های خود می‌داند. مسئله خونخواهی شهدای کربلا و دیگر مظلومان در فرهنگ اسلام و احادیث عصر ظهور پیوسته باید مطرح شود تا روح شهادت طلبی و انتظار در جان‌ها دمیده شود و دنیا و آخرت اهل ایمان اصلاح گردد و ستمگران سفاک بدانند که مجازات خواهند شد. به این جهت، از القاب حضرت حجت (عج) «**سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو**» (شمشیر خداست که کند نمی‌شود) و «منتقم آل محمد (صلی الله علیه و آله)» است. بیش از همه، خود امام حسین (علیه السلام) به شیعیان گوشزد و تلقین نموده است و در خطبه روز عاشورا فرموده است: «**اللَّهُمَّ... سَلِّطْ عَلَيْهِمْ غُلَامَ ثَقِيفٍ يُسْقِيهِمْ كَأْسًا مُصْبِرَةً فَلَا يَدْعُ فِيهِمْ قَتْلَةً بِقَتْلَةٍ وَ ضَرْبَةً يَنْتَقِمُ لِي وَ لِأَوْلِيَائِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ أَشْيَاعِي مِنْهُمْ فَإِنَّهُمْ عَرُونَا وَ كَذَّبُونَا وَ خَذَلُونَا**» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۹) خدایا! جوان ثقیف (مختار) را بر آنها مسلط کن تا جام زهر ذلت و حقارت را بر کامشان فرو ریزد، و کسی را در میانشان سالم نگذارد تا آنجا که در برابر هر قتلی که انجام داده اند، به قتلی و در برابر هر ضربه‌ای که زده اند، به ضربه‌ای گرفتار شوند و انتقام خون من و دوستان و

اهل بیت را از این ها بگیرد؛ چرا که اینها به ما نیرنگ زدند و ما را تکذیب کرده، بی یاور گذاردند».

آبرومندی در دو دنیا

«**اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ عِنْدَكَ وَجِيْهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**؛ خدایا! به وسیله حسین (علیه السلام) مرا نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند گردان!»

تعبیر «**وَ جِيْهًا**» در قرآن برای دو پیامبر آمده است یکی برای حضرت عیسی (علیه السلام) : «**اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَا مَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يَبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيسٰى ابْنُ مَرْيَمَ وَ جِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ**». (آل عمران / ۴۵) و یکی دیگر برای حضرت موسی (علیه السلام) : «**يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ آدُوْا مُوسٰى فَبَرَّاهُ اللّٰهُ مِمَّا قَالُوْا وَ كَانَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجِيْهًا**». (احزاب / ۶۹)

سید جزایری نقل کرده که مردی از مستمندان شیعه به حضور امام صادق علیه السلام آمده و از فقر و تنگدستی خود شکایت کرد. حضرت فرمود: **اَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ تَدْعٰى الْفَقْرَ؟! شِيعَتُنَا كُلُّهُمْ اَغْنِيَاءُ** تو از شیعیان مایی و با این حال ادعای فقر و تنگدستی می کنی؟ شیعیان ما همه اغنیاء هستند. سپس فرمود: **يَا فُلَانُ اِنَّ لَكَ تِجَارَةً قَدْ اَغْنٰتَكَ** ای فلانی برای تو تجارتی است که تو را بی نیاز گردانیده است. عرض کرد. آن تجارت چیست؟ حضرت فرمود: اگر ثروتمندی به تو بگوید: من دنیا را پر از نقره به تو می دهم که از ولایت اهل بیت علیهم السلام بیرون آیی و داخل ولایت غیر آنان شوی آیا چنین کاری خواهی کرد؟ عرض کرد. نه یابن رسول الله اگر چه دنیا را پر از طلا کنند و به من بدهند. امام فرمود: **اَدْنُ لَسْتُ فَقِيْرًا وَ اِنَّمَا الْفَقِيْرُ مَنْ لَيْسَ لَهُ مَا لَكَ**. بنابراین تو فقیر نیستی. فقیر کسی است که آنچه تو داری نداشته باشد. آنگاه مالی را به او دادند». (انوار نعمانیه ، ص ۳۴۹)

امام جواد علیه السلام می فرماید: **مَنْ اسْتَغْنٰى بِاللّٰهِ افْتَقَرَ النَّاسَ اِلَيْهِ وَ مَنْ اتَّقٰى اللّٰهَ اَحْبَبَهُ النَّاسُ**. فردی که تنها تکیه گاهش پروردگار باشد، به غنای واقعی می رسد و دیگران به او نیاز پیدا می کنند، و هر آن کس که تقوی و رستگاری را پیشه خود، سازد، مردم او را از ته دل دوست می دارند» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷۹)

مردی از مؤمنین به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد، حضرت فرمود: چگونه می یابی قلبت را نسبت به مؤمنین؟ عرض کرد: من

آنها را مثل خودم می دانم، آنچه آنها را ناراحت می کند مرا نیز ناراحت می نماید و آنچه آنها را خوشحال می کند، مرا نیز خوشحال می نماید. پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: تو ولی خدا هستی؛ احدی از مخلوقات خداوند سودی مانند تو ندارد، مگر کسی که مانند تو باشد. موقعیت تو برتر است از کسانی که سرمایه هایی مانند مال، فرزند و عیال دارند، بشارت باد بر تو که تو از ثروتمندان مردم هستی. (بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۸۳)

باید باور داشته باشیم و معتقد باشیم که وجود نازنین ائمه علیهم السلام بزرگترین دارایی هستند و خدا را شاکر باشیم. اهل بیت علیهم السلام خاستگاه فقر و غنا را نه در مال و ثروت، بلکه در قلب انسان می دانند؛ چنانکه رسول خدا(ص) فرمودند: «**الْغِنَى فِي الْقَلْبِ، وَ الْفَقْرُ فِي الْقَلْبِ**» (میزان الحکمه/ ج ۸/ ص ۵۲۱). «غنا، در قلب است، و فقر [نیز] در قلب می باشد» اهل بیت علیهم السلام به ما آموخته اند که در دعاهاى خود از خدا این چنین بخواهیم: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي**»؛ (دعای عرفه حضرت سیدالشهدا(ع)) «خداوندا! غنا و بی نیازی مرا در جانم قرار بده. »

دولت فقر خدایا بمن ارزانی دار کین کرامت سبب حشمت و تمکین منست

واعظ شهینه شناس این عظمت گو مفروش زانکه منزلگه سلطان دل مسکین منست

به تعبیری، «دعای عرفه، کربلای نظری و کربلا، دعای عرفه عملی» حضرت سیدالشهدا (ع) است. امام حسین (ع)، هر چه در دعای عرفه فرمودند، در کربلا عمل کردند و در کربلا هر چه کردند، در دعای عرفه حرفش را زده بودند. «**لَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ**» (تحف العقول/ ص ۲۹۴)

در آبرومندی دوستداران و عزاداران حسینی در قیامت همین بس که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دخترش فاطمه (علیها السلام) فرمود: «**يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِیَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِه نَعِيمِ الْجَنَّةِ**»؛ (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۲). ای فاطمه (جان)! تمام چشم ها در روز قیامت گریان اند، مگر چشمی که در مصائب حسین (علیه السلام) گریسته، که او خندان است و به نعمت های بهشتی مژده داده می شود»

مرحوم علامه امینی (ره) از «حموینی»، از «ابو هریره» نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وقتی خداوند آدم ابو البشر (علیه السلام) را خلق کرد و از روح خود در او دمید، حضرت به طرف راست عرش متوجه شد، ناگهان دید پنج شبخ نور آنجا است که سجده و رکوع می کنند. به

خدا عرض کرد: آیا قبل از من کسی را از خاک آفریده ای؟ خداوند فرمود: نه ای آدم! عرض کرد: پس این پنج شبخ کیان اند که در هیئت و صورت من هستند؟ فرمود: آن ها از فرزندان تو می باشند که اگر نبودند، تو را خلق نمی کردم. نام آن پنج نفر از نام های من مشتق گردیده است. اگر آنان نبودند، بهشت و جهنم، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و انس و جن را نمی آفریدم. من محمود و این محمد و من عالی ام و این علی و من فاطم و این فاطمه و من احسانم و این حسن و من محسنم و این حسین. به عزّتم سوگند! هر کس ذره ای از بغض و کینه آنان را در دل داشته باشد، او را بی دریغ وارد جهنم خواهم ساخت: «فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَى حَاجَةٍ فَبِهَوْلَاءِ تَوَسَّلْ...» (الغدير، ج ۲، ص ۳۰۰) پس اگر حاجتی از من داری، به آن ها متوسل شو! ...».

روزی پیغمبر (ص) از راهی می گذشت دید طفلی با حسین نشسته اظهار محبت و ملاطفت به او می کند پیغمبر (ص) آن طفل را گرفته اظهار مهربانی به او نمودند از آن حضرت علت را سؤال کردند فرمودند: **انی احبه لانه یحب ولدی الحسین لانی راعیت انه یرفع التراب من تحت اقدامه و یضعه علی وجهه و اخبرنی جبرئیل انه یکون من انصار فی واقعه کربلا**. یعنی: من او را دوست می دارم به جهت آنکه او پسر من حسین را دوست می دارد زیرا که دیدم خاک از زیر قدم های حسین بر می داشت و بر چشمان خود می مالید و جبرئیل به من خبر داد که این طفل در واقعه کربلا از یاران حسین خواهد بود. (وسائل المحبین شیخ جعفر ص ۹۷)

شهادت علی اکبر(ع)

داغ پرپر شدنت جای خود، اما بینم داغ بی سر شدنت را جگرم سوخت
علی

این همه نیزه میان بدنت گم شده است با که گویم محنت را جگرم سوخت
علی

فاستأذن أباه علیه السلام .. اذن که گرفت اصلاً معطلش نکرد ، بلافاصله فرمود برو .. راه افتاد به سمت میدان، علی اکبر چی میگه؟! « **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ** » بابا، تشنگی هام رو نبین « **سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ** » ، **ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَ آيِسٍ مِنْهُ...** با ناامیدی بهش نگاه کرد .. دیگه نتوانست ادامه بده سرش رو پایین انداخت **وَ أَرْخَى عَيْنَهُ وَ بَكَى ...** راوی میگه نگاه کردم از دو چشم سیدالشهدا اشک جاری شد .. محاسنش به دست گرفت **ثُمَّ قَالَ: "اللَّهُمَّ كُنْ أَنْتَ الشَّهِيدَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسَ خُلُقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا بِرَسُولِكَ**

“.. خدایا دارم شبیه ترین مردم به پیغمبر رو به سمت میدان می فرستم .. وقتی برای جدم دلم تنگ می شد به او نگاه می کردم .. هنوز علی اکبر به میدان نرسیده بود که سیدالشهداء رو کرد به عمر سعد فرمود خدا رحمت رو قطع کنه .. لا لشیء کان منی سابقا .. من قبل از این گناهی نکردم ،.. غیر فخری بضیاء الفرقدین .. جز اینکه مادرم فاطمه زهرا و پدرم درهم کوبنده کفر در بدر و حنینه .. فاطمه الزهراء امی و ابی .. قاصم الکفر بددر و حنین .. از بابام می خواهید انتقام بگیرید؟ .. اگر قاسم بن الحسن یاد امام حسن رو زنده کرد علی اکبر یاد امیرالمؤمنین ، یاد پیغمبر زنده کرد .. أَنَا عَلِيّ بن الحسين بن علي .. نحن وبيت الله أولى بالنبي .. من علی بن حسین بن علی ام مایم که اولی به پیغمبریم .. والله لا يحکم فینا ابن الدعی .. حرام زاده حق حکومت نداره .. فلم یزل یقاتل .. آنقدر جنگید تا دست جمعی دورش کردند .. ولی باز هم می جنگید ... فلم یزل یقاتل تا صدای ضجه اهل کوفه بلند شد حتی ضج اهل الکوفه تا چند صد نفر شروع به سنگباران کردند ... سپر رو بالا آورد سر مبارک رو پشت سپر مخفی کرد ، دیدش محدود شد. از جلو که سنگ می زدن ، یه کسی از پهلوی .. حسین جان بمیرم برات .. یه لحظه دیدند اسب با سوار رفت تو دل دشمن .. دورش کردند .. تا کار به جایی رسید که صداش بلند شد .. عليك السلام هذا جدی رسول الله یقرئک السلام ... آقا خودش رسوند بالاسر علی اکبر سلام الله علیه . چند نفر رو دور کرد اومدن عقب نشستن دلشون می خواست ببینن چه جور آب میشه حضرت .. ایستاد بالاسر علی اکبر، داره جلو چشم بابا دست و پا میزنه جان میده نشست ثم وضع خده علی خده ...

ای تجلی صفات همه برترها چقدر سخت بود رفتن پیغمبر ها
 قد من خم شده تا خوش قد و بالا شده ای چون که مهر پدران نیست کم از مادر ها

السلام علیک یا اهل بیت النبوة